

نگاهی به تاریخ نمایش در ایران

دکتر احمد محمدی

از میان نمایش‌های غیرمذهبی ایران که امروز هم اثری از آن می‌بینیم، باید نقالی و خیمه شب‌بازی را نام برد. نقالی را نیز به حقیقت نمی‌دانیم که از چه تاریخ در ایران آغاز شده است، و اطلاع ما بر اجرای این گونه مراسم در قبل از اسلام منحصر است به اشاراتی که در کتب تاریخ و ادب ایران شده، مثل شاهنامه فردوسی، یا منظومه‌های نظامی گنجوی و تاریخ سیستان و تاریخ بخارا و الفهرست ابن‌الدین که در هر یک از آنها اشاره‌ای می‌یابیم بر اینکه داستانهای حماسی ویرمی ایرانی قبل از اسلام میان مردم به وسیله قصه‌گویان منتشر می‌شده و از همین راه به دوره بعد از اسلام رسیده و مایه‌ای برای نظم قسمتی از داستانهای شاهنامه، ویس و رامین، خسرو شیرین و هفت گنبد و جز آنها گردیده است، لیکن پس از اسلام آثار فراوانی وجود دارد که ما را بر چگونگی اجرای این گونه مراسم در ادوار مختلف اسلامی راهبری می‌کند، به خصوص که برخی از داستانهای این نقالان، چون داستان سمک عیار، قصه فیروز شاه، (داراب‌نامه بیغمی)، داراب‌نامه طرسوسی، اسکندرنامه و امیر ارسلان عیناً در هنگام نقل از زبان نقال ضبط شده و برجای مانده است.

هنر نقالی که عبارت است از خواندن یا بیان وقایع حماسی یا داستانهای عشقی، در ایران قبل از اسلام با موسیقی همراه بوده است و چون در دین اسلام موسیقی از محرمات به شمار می‌رفت در دوره اسلامی فقط نقل داستان باقی ماند و توسعه یافت و تقسیمات و شعبی پیدا کرد. در سه قرن اولیه اسلامی کار نقالان

قدمت نمایش در ایران را اگر بخواهیم از دوران قبل از اسلام شروع کنیم، باید بحث خود را از نمایش‌های آئینی و نقالی و خیمه شب‌بازی آغاز نماییم. نمایش آئینی که به تحقیق معلوم نیست از چه زمانی در ایران شروع شده به داستان سوگ سیاوش و کین ایرج معروف گردیده است و ظاهراً بنا بر آنچه در آثار برجای مانده از ادبیات کهن ایران و شاهنامه فردوسی و اشاره‌هایی که در بعضی از کتب تاریخی ایران آمده^۱، این مراسم هر سال در زمانی معین برگزار می‌شده است، و در دوره اسلامی چون با سنت‌ها و آئین‌های «گبرکان» مخالفت می‌شد به تدریج رنگ اسلامی گرفت و با روی کار آمدن مذهب تشیع به تعزیه حسین علیه السلام و بارانش تغییر شکل داد. درباره زمان شروع تعزیه میان محققان اختلاف نظر هست، گروهی به استناد اشاره تاریخ ابن کثیر شامی معتقدند که این مراسم از زمان حکومت سلسله دیالمه (مزالدوله - ۳۵۲ هجری قمری) در ایران آغاز گردیده، و گروهی را عقیده بر آن است که تعزیه در ایران به گونه‌ای که با میزان تئاتر نویسی تطبیق کند از دوره صفویان شروع شده و آنچه قبل از این دوره وجود داشته نوعی عزاداری و نوحه سرائی بوده است.

بهر حال تعزیه یکی از مراسم نمایشی ایران است که تا امروز راه خود را ادامه داده، منتهی پس از عهد قاجاریه و پیدایش تئاتر جدید و تحکیم اساس آن بازارش از رونق افتاد تا به حدی که امروز جز در میان روستاها و شهرک‌های دورافتاده اثری از آن نمی‌بینیم، و اگر گاهی در هنگام عزاداری ماه محرم در شهرهای بزرگ مراسم تعزیه‌ای برپا گردد، مشتریان آن مردمی از عوام الناس هستند.

۱ - مثلاً متن فارسی تاریخ بخارا تلخیص محمد بن زفر بن عمر تصحیح آقای مدرس رضوی ۱۳۱۷ صفحات ۲۰ و ۲۸.



منظره‌ی از شبیه‌خوانی و مراسم ساده تهریزه در ایران - اثر ویدانباخ درسایهای ۷۸ - ۱۳۷۷ ه. ق

از نقالی سرگرم کردن شنونده و ایجاد هیجان است، ناچار نقال باید که خالق داستانهای جذاب نیز باشد.

خیمه شب‌بازی یا تئاتر عروسکی نیز یکی دیگر از مراسم نمایشی ایران است که با تئاتر شباهتی زیاد دارد و در حقیقت تئاتری است که بازیگران آن را عروسکهای پنبه‌ای و پارچه‌ای و چوبی تشکیل می‌دهند، بازیگران بی‌جان که در میانه صحنه به اراده آنکه سرنخ را در دست گرفته و در پس صحنه ایستاده است حرکت می‌کنند.

درباره اصالت این بازی و اینکه آیا بومی ایران بوده و یا از کشوری دیگر به ایران آمده به درستی چیزی نمیدانیم و به هر حال اگر به قول نظامی گنجوی اعتماد نمایم باید قبول کرد که لعبت باز و لعبت بازی هنری است که در زمان بهرام گور به این کشور آمده و مقبول مردم شده است.^۳

نمایش عروسکی در ایران چنانکه باید تحول نیافت و به کمال نرسید و در همان هیئت عوامانه خود باقی ماند زیرا ادیبان و هنرمندان با دانش، چون آنرا کاری پست و درخور عوام می‌دانستند، برای پیشرفتش دست به کاری نزدند، و در نتیجه داستانهای آن ثبت نشد و ما امروز تنها به چند نمایشنامه

بیان داستان‌های حماسی و ملی گذشته ایران بود، لیکن از اوایل قرن پنجم هجری نقالان خود افسانه پرداز شدند و چنانکه گفتیم افسانه‌هاشان با همان صورت و سبکی که بیان می‌شد اغلب به رشته تحریر می‌آمد.

در دوره مغول نقالی و قصه گوئی به سوی افسانه‌های شبه حماسی و مذهبی گرائید و در عهد صفوی نقالی رواجی فوق العاده یافت و شعبه‌های آن، چون قصه خوانی، شاهنامه - خوانی، حمله خوانی (حمله حیدری)، روضه خوانی، سخنوری و جز آن در میان مردم رایج شد. در دوره‌های قاجار نیز کار نقالی همچنان رونق داشت و پس از تأسیس قهوه‌خانه^۴ در ایران مرکز نقالان به قهوه‌خانه‌ها منتقل شد.

در تاریخ نمایش ایران نقال درخشان‌ترین چهره نمایشی است و بعضی از آنان در کار خویش مهارتی عجیب داشته و در شمار هنرمندان اصیل بوده‌اند. کار این گروه مردم هنرمند بسیار مشکل و دقیق بوده است، زیرا بی‌استعانت از هیچ وسیله‌ای و فقط با قدرت بیان و هم‌آهنگ ساختن حرکات چهره و دست با کلام، حوادث قصه را بدانگونه می‌بایست در نظر شنونده مجسم کنند که احساساتش برانگیخته شود. و از آن گذشته چون منظور

داستان همراه شد و کم کم به تئاتری همراه با حوادث ساده و جزئی و بی تحرک و وقایعی اغلب زائد تبدیل شد، چنانکه در نمایش «حاجی کاشی» می توان دید.

در زمان زندیه تقلید عنوان مستقل یافت و دونوع آن از میان سایر بازی ها معروف شد یکی «کچلک بازی» و دیگری «بقال بازی». بقال بازی که خود انواع مختلف داشت بر بنیاد داستان بقال پولدار و خسیسی نهاده شده بود که مردی شباد و آسمان جل هر لحظه به رنگی و لباسی براو ظاهر میشد و با حرکات و لهجه های خنده آور بقال را گول می زد. گفتن هر سخن زشت و تقلید هر حرکت ناپسند و خنده آور در این گونه نمایش ها نیز روا بود.

در دوره قاجاریه تقلید کاملتر و جا افتاده تر شد. به خصوص در عهد ناصرالدین شاه وجود دلقکی معروف چون «کریم شیرای» و دستیارانش سبب شد که این گونه تقلیدها از دربار به منازل اشراف راه یابد و از کمک ثروتمندان و متنفذان مملکت برخوردار شود، و بتدریج در شهرهای معتبری چون تهران و اصفهان و شیراز و تبریز پاگیر شود و قهوه خانه های بزرگ مرکزی برای اجرای آن گردد.

صحنه این نمایش در قهوه خانه معمولاً عبارت بود از صفه ای بزرگ یا یکی دو تخت چوبی که در میان صحن قهوه خانه می بستند و در خانه اشراف یک تکه قالی که در گوشه ای از تالار وسیع خانه گسترده می شد و در منزل مردم عادی که اغلب به مناسبت جشن های عروسی یا «ختنه سوران» نمایشی هم بر پا می کردند صحنه را تخت چوبی که بر روی حوض می نهادند تشکیل میداد، و از همین جاست که این گونه نمایش ها به نمایش «روحوضی» یا «نخت - حوضی» معروف شده است و هنوز هم آن را به همین نام می خوانند.



تصویری از شبیه امام خوانها پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - رجوع شود به: مقاله تاریخچه قهوه خانه در ایران به قلم

آقای نصرالله فلسفی مجله سخن دوره پنجم.

۳ - هفت گنبد نظامی گنجوی داستان بهرام گور و پادشاهی او آنجا که می گوید:

عروسی مثل: پهلوان کچل، سلیم خان، عروسی پسر سلیم خان، چهار درویش، حسن کچل، بیژن و منیژه و پهلوان پنبه، واقفیم.

شش هزار اوستاد دستان ساز

مطرب و پای کوب و لعبت باز

جمع کرد از سواد هر شهری

داده هر بقعه را از آن بهیری

تا بهر جا که رخت کش باشند

خلق را خوش کنند و خوش باشند

زمینه های تئاتر معاصر ایران

۴ - برای مطالعه بیشتر درباره نقالی و خیمه شب بازی میتوان به کتاب «نمایش در ایران» تألیف آقای بهرام بیضائی مراجعه کرد.

۵ - ظاهراً این شخص به سبب کارها و سخنان شیرینش به «شیره ای» معروف شده است.

ریشه تئاتر معاصر ایران را باید در «نمایش های شادی آور» (Farce) که از اواسط عهد صفوی شروع شده است یافت. در این دوره دسته های مطربی که به کارشادمان کردن مردم سرگرم بودند به تدریج به گروه های تقلیدچی (Farceur) تبدیل شدند. در آغاز، تقلید آنان عبارت بود از تقلید لهجه ها و خصوصیات مردم روستائی و ساده، اما چیزی که تقلیدشان با

بهر حال قهوه‌خانه مسیر اصلی تئاتر تقلیدی را تعیین کرد . در تئاتر این دوره «غلام سیاه» یکی از اشخاص دائمی و مهم تئاتر بوده است . چنانکه می‌دانیم «غلام یا کنیز سیاه» از مردم ساکن آفریقا است که تاجران برده فروش آنها را یا ربوده و یا از خانواده‌های فقیر با بهائی ناچیز خریداری کرده و به بازارهای جهان عرضه نموده‌اند ، شك نیست که هریک از آنها با رنج‌هایی که کشیده‌اند عقده‌ها و دردهائی دارند ، و به همین سبب یا به مسخره‌بازی دست می‌زنند و یا به نادانی و ابلیهی تظاهر می‌کنند تا هم عقده دل خویش بازکنند و هم از مردمی که مسبب بدبختی‌های آنانند انتقام بگیرند ، اما بهر حال مردمی باهوش و با وفا و درستکارند . این شخصیت با تمام خصوصیات روحی که در زندگی طبیعی خود داشت در تئاتر ایران تقلید شد و به تدریج کامل گردید و به صورت یکی از اشخاص نمونه و بارز بازی درآمد . « سیاه » در این قالب کامل شده خود بنده‌ای بود که ارباب و معاشران او را هجو می‌کرد و در عین سادگی و زیرکی ، صراحتی آمیخته با بیم داشت ، و گاهی سخن‌های دردآلود بر زبان می‌راند ، به گمان خود آدمی فکور و با عقل بود . اغلب دست بکاری می‌زد که نتیجه‌ای نامطلوب داشت با اینحال گاه بخت و اتفاق او را یاری می‌کرد و در کار خویش موفق می‌شد ، و در هر صورت نه در هنگام موفقیت مغرور می‌گردید و نه در وقت شکست یأس بر او دست می‌داد ، زیرا به تقدیر اعتقاد داشت و سرنوشت را بی‌کم و کاست می‌پذیرفت .

نوع نمایشنامه نیز با محل اجرای آن متناسب بود ، داستان‌هایی که حوادثش به محیط خانواده و اجتماع معاصر مربوط می‌شد برای اجرا در خانه‌ها انتخاب می‌گردید ، این داستانها اغلب حاوی مسائلی از قبیل مسخره کردن آداب و رسوم و ظاهر - سازی‌های مردم بود و اشخاص این بازبها معمولاً عبارت بودند از : حاجی آقا ، غلام سیاه ، زن حاجی ، پسر حاجی ، دختر حاجی و کلفت خانه .

و عنوان نمایشنامه‌ها اغلب چیزی شبیه به «حاجی مسجدی» ، «عروسی هالو» و جز آن بود . موضوع نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای معمولاً داستانهای تاریخی یا حماسی و یا بزمی بود و بیشتر از داستانهای شاهنامه فردوسی یا خمسه نظامی تقلید می‌شد ، و بهر حال موضوع همه این نمایش‌ها یا از داستانهای کهن ایران گرفته شده بود مثل بیژن و منیژه ، رستم و سهراب ، یوسف و زلیخا و شیرین فرهاد ، یا از قصه‌هایی که در میان مردم سینه به سینه نقل می‌شد و بنای آن بر تخیل بود مثل «حاکم یک شب» و «نوروز پیروز» و یا نوعی انتقاد بود که نتیجه اخلاقی از آن گرفته می‌شد و معمولاً در این نمایش‌ها انتقاد شونده خود مردم بودند .

در نیمه اول قرن سیزدهم هجری ، با بازگشت دانشجویانی که به امرعباس میرزا نایب‌السلطنه به اروپا اعزام شده بودند ،



تصویری دیگر از شبیه خوانهای تکیه دولت

آشنائی ایران با فرهنگ مغرب‌زمین شروع شد و هرچه این روابط بیشتر می‌شد ، نفوذ فرهنگ و هنر غرب در ایران رو به فزونی می‌رفت ، و بدین وسیله نهضت بزرگی در کلیه شئون اجتماعی ایران پدید می‌آمد . عده‌ای از علاقمندان به هنر نمایش به تدریج به نوشتن نمایش‌نامه‌هایی به سبک اروپائی شروع کردند و این درست هم‌زمان با فترت تعزیه و پیشرفت تقلید یا نمایش - نامه‌های شادی‌آور در ایران بود . اولین تالار نمایشی که به سبک اروپائی در ایران ساخته شد تالار مدرسه دارالفنون است که به امر ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت دانشجویان اعزامی به اروپا بنا نهاده شد و ترجمه نمایشنامه «Misanthrope» مولیر بنام «گزارش مردم‌گریز» در آن به نمایش درآمد .

ظاهراً « میرزا ملکم‌خان » باید اولین کسی باشد که نمایشنامه‌هایی به زبان فارسی و به شیوه اروپائی نوشته است ، قسمتی از این نمایشنامه‌ها در سال ۱۳۲۶ قمری در روزنامه اتحاد تبریز به چاپ رسیده و مجموعه کامل آنها در سال ۱۳۴۰ قمری در برلن منتشر گردیده است .^۷ و نیز می‌توان گفت که ترجمه میرزا جعفر قراچه‌داغی از مجموعه آثار نمایشی میرزا فتحعلی‌آخوند - زاده از جمله نخستین ترجمه است که در زمینه نمایشنامه شده است . این مجموعه شامل هفت نمایشنامه است که در سال ۱۲۹۱ قمری طبع و منتشر گردیده .

از آن پس به تدریج مؤسسات نمایشی کوچکی در ایران دایر شد و اولین آنها شرکت نمایشی «فرهنگ» است که با همکاری گروهی از فضلا تشکیل شد. اغلب اشخاصی که به تأسیس چنین گروههایی اقدام می کردند مردمی فاضل و روشنفکر بودند. این گروهها معمولاً نمایشنامه های خود را در باغهای بزرگ تهران مثل «پارک اتابک» بر روی صحنه می آوردند.

یکی دیگر از مؤسسات تئاتری ایران سازمانی بود به نام «تئاتر ملی» که به وسیله عده ای از سرشناسان مملکت تشکیل شد و اغلب نمایشنامه های مولیر را اجرا می کرد. در حدود سال ۱۳۳۱ قمری در بعضی از روزنامه ها عده ای از تئاتر شناسان مقالاتی انتقادی می نوشتند و هنرمندان را تشویق می کردند، و این خود دلیل توجه تدریجی مردم آن روزگار است به کار تئاتر.

پس از مراجعت سیدعلی نصر از اروپا گروه دیگری به اسم «کمدی ایران» با اجازه رسمی وزارت معارف تأسیس شد. این مؤسسه در حقیقت اولین مؤسسه تئاتری است که با اصول صحیح شروع به کار کرد و توجه مردم را به تئاتر جدید جلب نمود، «کمدی ایران» هر ماه دوبار در تالار «گراند هتل» نمایش می داد و بالاخره موفق شد پای زنان راکه تا آن زمان جسارت ورود به صحنه را نداشتند بر روی صحنه باز کند و این خود توفیقی بزرگ در پیشبرد تئاتر ایران بود.

پس از جنگ بین الملل اول (۱۸ - ۱۹۱۴) گروهی از هنرمندان تئاتر از روسیه و قفقاز به ایران آمدند و با هنر نمائی خود در صحنه تئاتر ایران، موجب شدند که مترجمان آثار نمایشی، به ترجمه نمایشنامه های ترکی و روسی راغب شوند و ازین رهگذر نمایشنامه هایی چند برگنجینه ادب نمایشی ایران

افزوده شود، لیکن با تمام کوششی که در این دوره برای بالابردن سطح فکر عمومی و ترغیب مردم به کار تئاتر و بسط دامنه آن می شد، هنوز مردم این هنر را به چشم «دلالت بازی» می نگریستند و هنرپیشگان و علاقمندان تئاتر را تحقیر می کردند، ازین روی صحنه های تئاتر بیشتر به دست هنرمندان خارجی و ارمنی اداره می شد.

در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی تئاتر دیگری به نام «کمدی اخوان» به سرپرستی محمود ظهیرالدینی که یکی از هنرمندان برجسته «کمدی ایران» بود تأسیس شد، این گروه تا هنگام مرگ محمود ظهیرالدینی، که به مرض سل درگذشت، به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۰۵ شمسی جامعه باربد به همت اسمعیل مهرتاش در تهران تأسیس شد و در سال ۱۳۰۸ شمسی استودیوی بی نام «سپروس» در تهران شروع به کار کرد و سپس تئاتر دائمی نکیسا در سال ۱۳۰۹ شمسی تأسیس گردید. در همین سالها بود که در رشت و مشهد و بعضی از شهرهای بزرگ ایران نمایشنامه هایی به وسیله عده ای از آما توره های علاقمند بر روی صحنه می آمد. مقارن همین احوال «استودیو درام کرمانشاهی» شروع به کار کرد و این نخستین تئاتری بود که از لحاظ تکنیک صحنه

- ۶- ادوارد براون؛ تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر ترجمه رشید یاسمی چاپ دوم کتابفروشی ابن سینا ص ۳۲۷.
- ۷- دکتر پرویز ناتل خانلری؛ نخستین کنگره نویسندگان ایران ص ۱۴۳ و ایضاً ادوارد براون؛ تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۳۰.
- ۸- ایضاً ادوارد براون؛ تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۲۹.



چند تن از شبیه اشقیاء



برزو، درحال نقاشی

مدرسه تئاتری بنیاد نهاده شد که برنامه آن به برنامه کنسروانوار پاریس شباهت کامل داشت. در سال ۱۳۱۹ «تئاتر تهران» به یاری سیدعلی نصر و احمد دهقان تأسیس شد که بعدها پس از قتل احمد دهقان به نام وی «تئاتر دهقان» نامیده شد. با ایجاد این تئاتر هنر نمایش ایران که مدتی درحال فترت بود جانی تازه گرفت و آرام آرام شروع به پیشرفت کرد.

پس از جنگ دوم جهانی درکار هنر تئاتر ایران تحولی بزرگ ایجاد شد، نویسندگان و مترجمان نمایشنامه با شور و هیجانی بی‌سابقه به کار نوشتن و ترجمه کردن پرداختند و با پیدا شدن افکار تازه ذوق مردم نیز تغییر کرد و به جانب تئاتر گرایید، با این ترتیب می‌توان گفت که تئاتر مدرن ایران در اواسط جنگ دوم جهانی ایجاد شد، در این عهد علاوه بر «تئاتر تهران» و «جامعه بارید» چند تئاتر خوب، مثل «تئاتر گیتی»، «تئاتر فردوسی»، «تئاتر بهار» و «تئاتر فرهنگ» تأسیس گردید. «تئاتر فرهنگ» پس از تأسیس شهرتی یافت و در میان سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ همه مجامع نمایشی را تحت الشعاع خود

و دکوراسیون در تئاتر ایران تحول ایجاد نمود، این «استودیو» برای اولین بار در ایران کلاسی برای تربیت هنرپیشه تأسیس کرد. از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۱۷ تئاتر ایران کاری از پیش نبرد و در حقیقت دچار فترت شد، فقط چند گروه موقت مثل «کانون صنعتی»، «تروپ پری»، «ایران جوان» و «کلوب فردوسی» گاهگاهی به اجرای بعضی از نمایشنامه‌ها می‌پرداختند، و یگاهی بعضی از جمعیت‌های خیریه عده‌ای هنرمند از کشورهای دیگر را دعوت می‌کردند تا به نفع آنها نمایشی اجرا نمایند، با اینحال در سال ۱۳۱۵ شمسی شهرداری تهران کلاس تئاتری دایر کرد که تا چند سال قبل به کار خود ادامه می‌داد، و همچنین کانون بانوان که در سال ۱۳۱۴ شمسی تأسیس شد گاهی نمایشهایی ترتیب می‌داد و بر روی صحنه می‌آورد.

در سال ۱۳۱۸ شمسی سازمان پرورش افکار تشکیل شد و در آن سازمان اداره‌ای بنام اداره نمایش ایجاد گردید، و به همت اعضاء این اداره، هنرستان هنرپیشگی تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ رسماً افتتاح شد و برای اولین بار در تاریخ تئاتر ایران

قرارداد. از سال ۱۳۳۰ به بعد نیز چند تئاتر دیگر به تئاترهای تهران افزوده شد.^۹

با ایجاد تلویزیون در ایران و تأسیس اداره هنرهای دراماتیک به وسیله هنرهای زیبای کشور، توجه به تئاتر افزونی گرفت. تلویزیون ایران با همکاری اداره هنرهای دراماتیک برنامه‌های تئاتر دائمی ایجاد کرد و از اینراه تئاتر بیشتر به مردم معرفی شد، اداره هنرهای دراماتیک علاوه بر تهیه برنامه‌های تلویزیونی به کار اجرای نمایشنامه‌های صحنه‌ای پرداخت و از وجود هنرمندان تحصیل‌کرده و اغلب دانشگاه‌دیده در این راه استفاده کرد.

دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سال تحصیلی ۳۵-۱۳۳۴ تا چند سال با استفاده از وجود بعضی استادان امریکائی کلاسهای کوتاه مدتی برای آشنائی دانشجویان با هنر تئاتر تأسیس کرد، این کلاس در انجمن ایران و امریکا نیز دایر بود. در سال ۱۳۴۳ یعنی پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر، دانشکده‌ای برای تربیت هنرمند تئاتر و سینما به وسیله وزارت فرهنگ و هنر تأسیس شد، و دانشگاه تهران هم در دانشکده هنرهای زیبا اقدام به تأسیس رشته تئاتر نمود.

وزارت فرهنگ و هنر از هنگام تأسیس تا به امروز تعدادی تالار نمایش در تهران و شهرستانها ایجاد کرده و تالار اپرای شهر تهران را به نام «تالار رودکی» بنا نهاده است که رسماً از سال ۱۳۴۶ از آن بهره‌برداری شد.

تأسیس تلویزیون ملی ایران وسیله بزرگی برای اشاعه هنر تئاتر در میان مردم بود، این مؤسسه با توسعه شبکه خود به بیشتر نقاط کشور و با اجرای برنامه‌های تئاتر قریب به ده

میلیون از مردم ایران را از نعمت تماشای تئاتر برخوردار می‌کند و به علاوه با ایجاد مدرسه عالی سینما و تلویزیون هر سال تعداد قابل توجهی از جوانان علاقمند و مستعد را در تحصیل این هنر یاری می‌دهد.

پس از سال ۱۳۴۰ که مرکز ملی تئاتر در جهان تشکیل شد و اساسنامه آن به تصویب انستیتو بین‌المللی تئاتر رسید، کشور ایران نیز بدان پیوست و مرکز ملی تئاتر ایران را که به کمیسیون ملی یونسکو وابسته است تشکیل داد.

در دهه اخیر تئاتر در ایران بیش از پیش مغلوب تلویزیون و دیگر وسائل ارتباط جمعی شده است، بجز تئاترهای لاله‌زاری و یکی دو تئاتر مستقل در شهرستانها که هنوز ارتباط خود را تا حدی با قشرهای پایین اجتماع حفظ کرده است و نمایشنامه‌هایی درخور ذوق و سلیقه و مطابق با خواست این طبقه بر روی صحنه می‌آورد، سایر فعالیت‌های تئاتری ایران را سازمانهای فرهنگی مثل وزارت فرهنگ و هنر، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، دانشگاهها و انجمن‌های فرهنگی اداره می‌کنند.

در یکی دو سال اخیر به فعالیت گروههای مستقل دانشجویی و غیر دانشجویی افزوده شده است، و افتتاح دو تالار نمایش تازه یکی «تئاتر شهر» که وابسته به سازمان رادیو تلویزیون است و دیگر تالار مولوی متعلق به دانشگاه، نوید دهه پرتحرکی را در زمینه تئاتر می‌دهد.

۹- آمار و تاریخ‌هایی که در مبحث فوق آمده همه مبتنی بر کتاب «بنیاد نمایش در ایران» تألیف آقای دکتر ابوالقاسم جنتی عطائی است.